

۱۴۲۸۰۱۵

سیرتاختین پزشکی ایرانی در جهان

و مشنهای پزشکی در ایران باستان

دکتر فاروق علی زاده



موسسه انتشاراتی مدحت

۱۳۹۵

سرشناسه	: صفی زاده، فاروق، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: سربتا نخستین پزشک ایرانی در جهان و پیشینه‌ی پزشکی در ایران باستان/فاروق صفی زاده.
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲].
مشخصات نشر	: تهران: مدحت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۴ ص.
شابک	: 978-600-8373-07-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: مدحت، ۱۲۸۷.
موضوع	: سربتا؛ پزشکان ایرانی - سرگذشتنامه؛ پزشکی -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Iranian physicians -- Biography
موضوع	: Medicine -- Iran -- History
رده بند کنگ	: ۶۳۴R ۱۳۹۵ ۷ص ۴س /
رده بندی دیویی	: ۲/ ۱۰
شماره کتابشناسی	: ۳۱۸۳۰



انتشارات

سربتا نخستین پزشک ایرانی در جهان

و پیشینه‌ی پزشکی در ایران باستان

دکتر فاروق صفی زاده

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۳-۰۷-۰

تهران: صندوق پستی: ۷۵۵ - ۱۱۱۵۵

پست الکترونیک:

Email: fatemehsamavati@yahoo.co.in

فهرست

۵	بیشگفتار
۷	مقدمه
۳۱	دانشگاه گندی شاپور نخستین دانشگاه پزشکی جهان
۳۵	مکتب دانش اردبیل
۳۶	مکتب دانش تبریز
۳۹	برزویه پزشکی کیست؟
۴۲	پناهنده شده هفت دانشمند ایران به دربار انوشیروان
۴۸	دانشکده پزشکی گندی شاپور
۶۱	کارد درمانی
۶۸	مشاهیر و روسا و استادان دانشگاه گندی شاپور
۷۰	خاندان بختیشوع
۷۷	خاندان ماسویه
۸۶	سریتا نخستین پزشک ایرانی
۹۶	گیاه درمانی
۹۹	کارد درمانی
۱۰۰	برپایی مجالس مشاوره طب فلسفه در گندی شاپور

- ۱۰۳..... قدیمی ترین کتاب پزشکی در ایران
- ۱۰۵..... واژه پزشکی و پزشکی ، بهداشت، درمان، دارو و تندرستی
- ۱۰۶..... پزشکان آریایی در اوستا
- ۱۰۹..... مکتب پزشکی دانش صد
- ۱۱۰..... مکتب دانش پزشکی هخامنشی
- ۱۱۲..... ویژگی های دانش پزشکی در ایران باستان
- ۱۱۴..... ویژگی های دانش کتاردرمانی
- ۱۱۵..... ویژگی های دانش بهداشت در ایران باستان
- ۱۳۱..... طب در ایران باستان
- ۱۳۳..... فریودن پادشاه پیشدادی موسس طب
- ۱۳۴..... منابع

پیش گفتار

پزشکی یکی از دانش‌هایی هست که ریشه‌ی چند هزار ساله دارد. براساس متون دینی باستانی نخستین کسی که توجه به تندرستی را در میان مردم رواج داد، زرتشت پادشاه پیشدادی می‌باشد. گیاه درمانی و طب سنتی را جمشید میان مردم رواج داد. پس از جمشید زرتشت به عنوان پیامبر باستانی در دانش پزشکی سرآمد بود و در کتاب اوستا نکته‌های بسیار مهمی درباره‌ی پزشکی آمده است.

قبل از زرتشت طبق کتاب اوستا سریش اولیا، پزشک شناخته شده ایرانی است که به مداوای بیماران می‌پرداخت و بیمارستانی نیز برپا می‌کند که طبق این نظریه نخستین بیمارستان جهان در ایران به وجود آمده است.

گزنفون مورخ ایرانی می‌نویسد: کوروش عده‌ای از پزشکان را نزد خود طلبید و هرگونه دارو، مشروبات و اغذیه که برای تندرستی مافع بود پرسش می‌نمود و خود مایل به ساختن و تحصیل خواص

آن‌ها بود. لذا کوروش در سراسر ایران بزرگ بیمارستان‌هایی را برپا کرد برای مداوای بیماران.

واژه پزشکی قدمت چندین هزار ساله دارد. ریشه‌ی این واژه در آوستا *بششه* (Bachaza) می‌باشد که به معنی آسیب زدن یا زدن است. *باچه‌آزه* (Baechaza) به معنی آسیب‌زدایی است.

این واژه در اردیبهشت یشت اوستا بند ۶ آمده است. واژه‌ی *بششه‌زو* در زبان سانساریان در زبان پهلوی به شکل *بششه‌زشتی* که آن هم به معنی آسیب‌زدایی است درآمد و واژه‌های *بشسته‌زشتار* و *بشسته‌زشتان* به معنی آسیب‌زدایی از آن مشتق شده است. این واژه به صورت «بششه‌زگ» و سپس «بزشک» و «شک» و سپس پزشکی درآمد.

با توجه به پیوستگی بین زرتشت و پزشکی در ایران باستان پزشکان از طبقه روحانیون (موبدان) بودند زیرا پزشکی با الهیات همراه بود. بانگاه به این دو نکته در طب اوستایی یکی توأمان طب و الهیات و دومی نیز ارائه‌ی درمان طب گیاهی از سوی آفریانیان میتوان گفت که نخستین بار دانش پزشکی در ایران نشو و نما گرفته است. ایرانیان قوای بدن انسان را به پنج دسته تقسیم نموده و بیماری‌های رانی را دگرگونی این پنج نوع میدانستند که عبارت‌اند از: ۱. اهر یا بدن ۲. دثنا یا وجدان ۳. بشوز یا ادراک ۴. اروان یا روان ۵. فره وشی یا روح ازلی و ابدی.

در ایران باستان این علوم در پزشکی رواج داشت: ۱. گیاه‌درمانی ۲. کاربرد درمانی یا جراحی ۳. مائتره درمانی یا تلقین و مدی تیشن.

در این رساله درباره نخستین پزشک ایرانی که در اوستا از او نام برده شده سخن گفته می‌شود. امید است این رساله مورد پسند ایرانیان با فروجه قرار گیرد.

امید است که پزشکان و متخصصین ایرانی در سال شکوفایی و نوآوری همواره به کشفیات و نوآوریهای نوینی روی آورده و جهان را با اندیشه و دانش ایرانی آشنا سازند.

تهران - تابستان ۱۳۸۷ خیامی

۹۱۳۷ مادی

دکتر فاروق صفی‌زاده

مقدمه

سریتا در استا نخستین پزشک است که از جانب اهورمزدا برانگیخته شد، با دردی مردمان را درمان بخشید. وی هم چون پزشکان کهن یونان و مصری است. بدون شک قدمت و شهرت سریتا مربوط است به عصر پیش از اوستا یعنی هنگامی که هند و ایران زندگی و فرهنگ مشترکی داشتند. چون همواره عنوان در روایات ودایی و داستانهای هندی درباره‌ی سریتا - نخستین پزشک موجود است.

شرح مفصل‌تر روایتی درباره‌ی سریتا را باید در کتاب پهلوی ویدیودات (وندیداد) از نظر گذراند اما به هوم یشت نیز اشاره‌ای به وی شده است. در هوم یشت زردشت از هوم haon می‌پرسد که سومین کسی که به خواص تو پی برد چه کسی بود و هوم به نمایندگی گیاهان درمان بخش و آن گیاه زرین اهورایی می‌گوید:

«سریتا سومین کسی بود از خاندان سام که به خواص من پی برد و مردمان را از آن آگاه کرد و این پاداش به او داده شد که دارای دو پسر گشت به نام اوزواخستیه و گرشاسب»

چنان که ملاحظه می شود در سنا نیز اشاره به پزشکی سربتا شده است. چون وی یکی از چند تنی بود که به ریزگی های گیاه هوم و خواص دارویی آن به خوبی آگاهی داشت و مردمان را با عصاره ی آن درمان می کرد. توجهی به تاریخ پزشکی نشان می دهد در آن دوران دره ای در تاریخ که دست بشر به آن نمی رسد هنگامی که اروپا به چیری شمرده نمی شد و کودکی نوزاد بیش نبود که بر دست و پا می خزید. ایوان ریچ (میان رودان) هندوستان و مصر تمدن های درخشانی وجود داشتند دارای پزشکی پیش رفته بودند.

زردشت از اهورمزدا پرسید: ای اهورمزدا ای وجود مجرد نیکوترین و ای مقدس ترین، اگر یکی جسمانی آیا در میان مردمان کهن چه کسی اول تندرستی دهنده و منور و مدبر و باطل کننده جادو و دولتمند و زورآور و مقدم آزمایش شده بد که درد را از دردمند جلو گرفت و مرگ بی هنگام را از می رنده جلو گرفت و ضریب استخوان را جلو گرفت از تن مردم گرمی آتش (تب) را جلو گرفت. پس اهورمزدا گفت: ای اسپتمان زردشت در میان مردم اول تندرستی دهنده و منور و مدبر و باطل کننده جادو و دولتمند و زورآور و مقدم آزمایش شده که درد را از دردمند جلو گرفت و مرگ بی هنگام را از می رنده جلو گرفت و ضریب استخوان را جلو گرفت از تن مردم گرمی آتش (تب) را جلو گرفت سربتا بود. (فندیداد) باب ۲۰-۳-۲-۱.

آن چه که شهریور امشاسپند یا خشروئیری به سربتا می دهد کارد (جراحی) است. سربتا پزشکی بوده است که در مواقع لازم از

شیوه‌های معمولی در طب برای درمان سودی نمی‌خاسته برای بهبود بیماری به جراحی متوسل می‌شده است. در بندهش (کتابی به زبان پهلوی ساسانی) آمده است که اهورمزدا کاردی مرصع برای جراحی نزد سربتا فرستاد.

این پزشک عالی مقام چنان که ازمتون ودایی اوستایی و پهلوی می‌آید پزشکی بوده است حاذق و توانا که به اقسام کار پزشکی و درمان‌گری چه از شیوه ادعیه و چه از طریق داروهای گیاهی و چه از طریق راهی بهره برده است.

در ایران باستان برابر با آن چه که از اوستا بر می‌آید پزشکی دارای شرایط و قوانینی بوده است و پزشکان یا درمانگران دارای اصنافی بوده‌اند و برای پیوستن به پزشکی شرایط و دستوراتی وجود داشته که پزشکان ملزم بوده‌اند تا آن قوانین پسری کنند و در جای خود از این امور گفتگو می‌شود.

در اردیبهشت یشت اوستا آمده است:

«اشویش زو داتویش زو اروروبش زو کسره تویش زو زومانترویش زو بش زونام بش زهه بش زیو یعنی درمان آسیب زدایی بوسیله اشو (پاکی)، آسیب‌زدایی بوسیله داد، آسیب‌زدایی بوسیله گیاه آمیب‌زدایی بوسیله کارد، آسیب‌زدایی بوسیله تعیین کلام مقدس (مانترا) این چنین آسیب‌زداتر آسیب‌زداترین است.

واژه بش زو در زمان ساسانیان در زبان پهلوی به شکل بش نشی که آن هم به معنی آسیب‌زدایی است درآمد. در بندهش باب نوزدهم

در میان درمان بخشان درمان بخش‌ترین کسی است که با کلام مقدس نفا دهد. (یشت سوم اردی بهشت یشت بند ۶) اما در همین قسمت از طیبانی گفت‌وگو شده که در قسمت امراض داخلی تخصص اشتنازد و پزشکیانی که در جراحی وارد بودند و طبایی که داروهای مجرب می‌کردند.

۱۰۰۰ سال پس از زاده شدن گیاهان درمان دهنده را همراه آوردیم. گیاهانی که سده هزارها، ده هزارها، در اطراف یگانه درخت گنوکرن می‌رویند. تمام این گیاهان را استفاده خواهیم نمود. تمام دستورها را مورد عمل قرار خواهیم داد. تمام این ادویه را تلاوت خواهیم نمود. برای تندرستی جسم و روان تمام انسان‌ها برای مقاومت مقابله با بیماری‌ها و برای مقاومت با مرگ. برای مقاومت با درد و آلم. برای مقابله با تب (نوندیداد فرگرد ۲۰/۶-۲۰۴).

فصل هفتم از نوندیداد درباره شرایط مناسب و دستمزد طیب دارای نکات جالب توجهی است. آن چه که شگفت است در آن ازمنه دور حتی دام پزشکی نیز در ایران وجود داشته و پزشکانی به دند که در این رشته از طب تخصص داشتند. برای پزشکیانی که فارغ التحصیل می‌شدند و می‌خواستند پیشه‌ی پزشکی را انتخاب کنند آزمایش لازم بود تا در صورت موفقیت مجاز به طبابت شوند. هر پزشکی که

«در میان درمان بخشان درمان بخش‌ترین کسی است که با کلام مقدس شفا دهد.» (یشت سوم اردی بهشت یشت بند ۶). اما در همین قسمت از طبیبانی گفت‌وگو شده که در قسمت امراض داخلی تخصص داشته‌اند و پزشکانی که در جراحی وارد بودند واطبایی که داروهای گیاهی استفاده می‌کردند.

«من هستم اهورمزدا که گیاهان درمان دهنده را همراه آورده‌ام. گیاهانی که سدها، هزارها، ده هزارها، در اطراف یگانه درخت گشوکران می‌رویند تمام این گیاهان را استفاده خواهیم نمود. تمام دستورها را مورد عمل قرار خواهیم داد. تمام این ادویه را تلاوت خواهیم نمود. برای تندرستی جسم و جان و تن انسان‌ها برای مقاومت مقابله با بیماری‌ها و برای درمانت با برگ، برای مقاومت با درد والم. برای مقابله با تب (وندیداد فرگود ۶/۱۰۴۵)

فصل هفتم از وندیداد درباره شرایط طبابت و دستمزد طبیب دارای نکات جالب توجهی است. آن چه که شگفت است در آن ازمه دور حتی دام پزشکی نیز در ایران وجود داشته و پزشکانی بودند که در این رشته از طب تخصص داشتند. برای پزشکانی که فارغ التحصیل می‌شدند و می‌خواستند پیشه‌ی پزشکی را انتخاب کنند از آیش لازم بود تا در صورت موفقیت مجاز به طبابت شوند. هر پزشکی که خواهان تحصیل اجازه نامه بود لازم می‌آمد تا مهارت خود را در میان دیویسان (کافران) به ثبوت رساند. بی‌گمان یک یا چند تن به‌هم‌امور نظارت در کارش می‌شدند. لاقلاً لازم بود تا سه تن از دیویسان را که

به بیماری سختی مبتلا بودند درمان کند. هرگاه بیمار اولی فوت می کرد و دومی و سومی نیز درمان نمی شدند به چنین پزشکی هیچگاه اجازه نامه و پروانه‌ی طبابت نمی دادند. چنین مردی هرگاه اقدام به طبابت می کرد و بیماری را که احتیاج به جراحی داشت مورد عمل جراحی قرار می داد در صورت آشکارشدن خطایش جلب شده و مجازات می شد. اما هرگاه چنین پزشکی در کارش میان دیویستان موفقیت پیدا می کرد اعمال جراحی وی با موفقیت پایان می یافت و سه نفر را که درماند بـراحـی بودند با موفقیت درمان می کرد پروانه‌ی طبابت به وی داده می شد. برای همیشه مجاز به کار بود. چنین شخصی می تواند همیشه و همه وقت دراپرست را به دلخواه معالجه کند و می تواند مزدپرستان را عمل جراحی نماید. (نوندیداد فرگرد ۴۰/۷-۳۶)

موضوع تعیین دستمزد برای پزشکان حائلی از خدمت متن است. دستمزدی که پزشک در قبال کارش می گرفت برای همه یکسان نبود. در برابر یک کاه آنانی که هستی و خواسته بیشتری داشتند بیشتر بایستی می دادند و به همین نسبت هر چه که تمکن کسی کم بود در عوض حق درمان کمتری می پرداخت. درمان روحانیون رایگان بود و اطباء حق نداشتند از روحانیون چیزی بستانند و تنها دعای خیر بدرقه‌ی راهشان می شد. هرگاه پزشک رئیس یک خانواده را درمان می کرد یک گاو پست یا بهای معادل آن را دریافت می کرد. حق درمان رئیس بر زن یک گاو متوسط و از آن رئیس بخش یک گاو خوب و حق

درمان یک امیر یک ارایه‌ی اسب کش یا بهای معادل آن‌ها بود. هم چنین بهایی که بایستی پزشک از دیگر اصناف مردم بستاند به دقت معلوم شده است. در ضمن حق الزحمه‌ی دام پزشکان را معلوم کرده بودند که دام پزشکی اگر گاو یا گوسفند و یا الاغی ... را درمان می‌کرد چه بهایی لازم بود به وی می‌دادند. دقت در این محاسبه دو جانبه بوده است یعنی هم طرف دام‌دار هم دام‌پزشک رعایت می‌شد. هرگاه دام‌پزشک گاو خوب و ممتازی را درمان می‌کرد حق درمان بیشتری به او تعلق می‌گرفت. در صورتی که هرگاه گاو متوسط یا پستی را معالجه می‌کرد دست‌مزد کمتر محسوب می‌گشت.

آن چه در کتاب نام بهاری‌ها، شیوه‌های پزشکی، روابط پزشک و مردم، حدود قانون پزشکی و موارد تخصصی آنان و شیوه‌های گوناگون در درمان‌گری که را آوستا آمده خود موضوع رساله‌ای مستقل است.

در آوستا از سننه نیز باید یاد کرد که ذکرش در فروردین یشت آمده است و در پزشکی و طبابت مهارت داشته است. نام سریتا همان گونه که در آوستا یاد شده در سندوستان نیز نخستین پزشک آریایی می‌باشد.

پس از سریتا در سرزمین آریان ویج در حوالی خوارزم و بلخ در مکانی به نام وریماکرت یک آریایی به نام پما (جمشید) موفق شد گروه مبتلایان به بیماری‌های پوستی و استخوانی و دندانی و بسیاری بیماران دیگر از افراد سالم را متمایز سازد چنانکه در وندیداد فصل ۲

بند ۳۷ آمده است: «پس به آنجا (واریماکرت) نبود نه یک کوزسینه، نه یک گوژیشت، نه یک سست اندام نه یک هاله و نه یک فریفتار، نه کسی که دندانهایش بد ترکیب و درهم روئیده (ویمیتودنتانو)، نه زن بدکار، نه بدی، نه آن که باید از دیگران جدا باشد، نه با هیچ یک از نشان‌های دیگر که نشانه‌هایی هستند که انگره مینو به مردم داده است.»

ساکنین واریماکرت جهت سلامتی خود از پرتوهای آفتاب به وسیله‌ای که در بنرهای بزرگ بهره می‌گرفتند. خوراک و مایحتاج خود را چنان نگه‌داری نمودند که هرگز فاسد نمی‌شد؛ آخشینگ‌ها (عناصر) به ویژه آب و آتش در آنجا مقدس و عزیز بود. در مینو خرد پرسش ۶۰ بند ۱۲ اشاره می‌کند «واریماکرت در ایران ویج ساخته یما است و هر آئین مردمان و ستارگان و پرندگان در آنجا بخوبی زیسته و در آنجا از مردان و زنان هر چهل سال سلطه بدید و خانواده‌ای بدید آید و زندگانی آن‌ها بسیار و ایشان را درد و بیخ و بیماری کمتر است.»

طبق بررسی‌های به عمل آمده، سیمرغ و سریتا یکی است. در شاهنامه‌ی فردوسی بزرگ به گفتگوی رویداد میان سریتا (سیمرغ) و زال پیرامون عمل رستم‌زایی (رستم‌نامه = سزارین) با ابیات زیر اشاره شده:

«بیاور یکی خنجر آگون

یکی مرد بینا دل پرفسون

نخستین به می‌ماه را مست کن

زدل بیم اندیشه راپست کن

بکافد تھی گاه سرو سہی
نباشد مرو را ز درد آگاہی
وزو بچہ ی شیر بیرون کشد
ہمہ پهلوی ماہ درخون کشد
وزآن پس بدوزد کجا کرد چاک
ز دل کن برون ترس و تیمار و باک
گیاہی کہ گویمت با شیرومشک
بکوب ریکن ہر سہ در سایہ خشک
بسای و بپاش و بپختگیش
بپیش همان وز پوستش
بدو مال از آن پس یخ، ہر من
خجستہ بود سایہ قرمن،

در اینجا سریتا بہ عنوان طراح مبتکر فآیند رستم‌زایی، آن را بہ زال پیشنهاد می‌کند.

حمزہ اصفہانی در نوشته‌های خود، سریتا را بنیانگذار دو دانش پزشکی و داروشناسی می‌نامد کہ از راههای خاص رو بہ دفع موجودات شریر (میکروب‌ها) و درمان بیماری‌ها می‌پرداختہ است: سرتیای پزشک برای درمان تجسس می‌کرد و از قلزات، درہاں برای مقابله با درد و برای مقابله با مرگ بی‌ہنگام و برای مقابله با سوختن و برای مقابله با تب و برای مقابله با سردرد و برای مقابله با تب و لرز و برای مقابله با مرض اژھوہ و برای مقابله با مرض پلید (جذام) مانند آن

(و برای مقابله با مار گزیدن و برای مقابله با مرض دوروکه و برای مقابله با مرض ساری و برای مقابله با نظربد و گنبدیدگی و کثافت که اهریمن در تن مردم پدید آورده بود، بدست آورد. (وندیداد، بلب یستم، فقره ۱۷۰ و ۱۷۱).

کریستین سن در کتاب کیانیان از سیریتایی یاد می‌کند که به زمان کیخاوس پادشاه کیانی مامور کشتن گاو و مرزیاب می‌شود و با آن که گاو به زبان آدمی و را از کشتن خود بر حذر می‌دارد، اما سیریتا به دستور کاووس را می‌کشد.

در ایران باستان در ریزه بهداشت عمومی، طب زردشتی به عالی‌ترین درجه خود رسیده بود. و گنبدیدگی و اکنشی که خاک و آب را ملوث می‌کرد و از این رو زهر سه جهت مورد اتهام قرار می‌گرفت. ماده‌ای سرکننده وقتی با آب مخلوط می‌شد، در محیط منتشر شده موجب شیوع بیماری عفونی می‌گردد. بنابراین وظیفه فرمانروایان و اولیای امور بود که به کمک قانون از بروز چنین آلودگی‌هایی جلوگیری کنند. موجود در محلهای نگه‌داری طیور می‌بایست جمع‌آوری می‌شد و نیز لازم بود گاو و گوسفند دور از محل زندگی نگه‌داری شوند. مگس معمولی خانگی در میان موجودات موذی از همه زیان بارتر شناخته می‌شد و عامل انتشار بیماری و مرگ در بین موجودات زنده تلقی می‌گردید و منفور می‌بود.

اگر ایران در پایه گذاری فرضیه‌ی «مزاج‌های چهارگانه» سهمی داشته باشد، در ایجاد نظریه‌ی اصلی میکروکزم (عالم صغیر) که

فرضیه‌ی فوق از نتایج آن است، نقش بزرگتری ایفا کرده است.

بر طبق فرضیه‌ی دوم انسان در مقیاس کوچکتري آئینه‌ی تمام نمای سراسر کائنات است. اکنون در پندهش که قسمتی از کتاب مقدس زردشتیان است، فصلی وجود دارد که تاریخ آن معلوم نیست. یک بخش از این فصل عنوان «دریاره‌ی بدن انسان - تصویری از جان» دارد. در این بخش هر یک از قسمت‌های مختلف بدن به یکی از قسمت‌های جهان تشبیه شده است: پشت به منزله‌ی آسمان، بافت‌ها مانند خاک، استخوان‌ها مثل سلسله جبال رگ‌ها شبیه رودخانه، عروق و ریه‌ها دریا، کبد نظیر رستنی‌ها، محل رویش موها بسان جنگل و غده‌ها مانند فلز مایع در درون زمین است.»

بقراط پدر علم پزشکی بودن در آثار خویش اعتراف کرده که برخی از مبانی نظری پزشکی را از خاندان سریتا و سئنائی مغانی در هگمتانه پایتخت دولت ماد باستان اقتباس کرده است.

بر طبق متون تاریخی و باستانی، سریتا نخستین پزشک است در جهان که از مفاهیم درمانی نیز سود جست. بیل الکتریکی نخستین بار در ایران کشف شده است و ایرانیان باستان الکتریسته را می‌شناختند. ایرانیان از دیرباز با برق و الکتریکی و مغناطیس آشنایی کامل داشته‌اند. ساکنین ایران هیچ جهت سلامتی غرض از پرتوهای آفتاب به وسیله‌ی در و پنجره‌های بزرگ بهره می‌گرفته‌اند.

در تخت جمشید نیز کاخ کوچک داریوش به نام گتچر رو بسوی جنوب یعنی آفتاب‌گیر ساخته شده و این می‌تواند نظریه‌ی استفاده‌ی

ایرانیان باستان از آفتاب و مغناطیس باشد.

ایرانیان باستان بخصوص سربینا مغناطیس گیاهان را کشف کرده بودند و از مغناطیس گیاهان برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کردند. تک‌یک گیاه درمانی در ایران باستان سه روش بوده است:

۱. خوراکی ۲. مالیدن (ماساژ) ۳. بخور دادن

روش بخور دادن همان سود جستن از مغناطیس درمانی بوده است. در ایران باستان، گیاهان و صمغ‌های مختلف را بر آتش نهاده خود را بخور می‌دادند.

دو ایران باستان برای سی روز ماه، سی گیاه برای درمان انواع بیماری‌ها به کار می‌بردند. با استفاده از مغناطیس درمانی، بصورت گیاهی بیماران را مداوا می‌کردند. این کار توسط سربینا انجام می‌گرفته وی برای هر روز ماه یک گیاه تجویز کرده است:

۱. روز اول ماه: اورمزد را با گیاه مورد؛ دانه دانه التهاب مجاری تنفسی.

۲. روز دوم ماه: بهمن را با گیاه سمن سفید، برای رفع دل‌پیچه.

۳. روز سوم ماه: اودی بهشت را با گیاه مرزنجوش (مویخرس)، برای دفع زکام و گوش درد.

۴. روز چهارم ماه: شهرپور را با گیاه شاه اسپرم؛ ریحان و شاهی، برای معرق.

۵. روز پنجم ماه: سپندارمزد را با گیاه پونه و گل بیدمشک، برای اشتهاآوری و بو و طعم.